

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۰۵ می، ۲۰۲۴

داکتر ضیاء نظام

رشد افراط گرایی و تروریسم در آسیای میانه و منطقه



Bloomberg

یازدهمین گزارش شاخص جهانی تروریسم نشان می دهد که تعداد کشته شده گان ناشی از تروریسم در سال ۲۰۲۳ میلادی، ۲۲ درصد افزایش یافته است. یعنی فعالیت تروریستی در سطح جهان در این سال با ۸ هزار و ۳۵۱ قربانی افزایش قابل ملاحظه ای یافته است و پاکستان با ثبت ۴۹۰ حمله بیش ترین حوادث تروریستی را متحمل شده است. این اولین بار است که در دو دهه اخیر، غیر از افغانستان و عراق، کشور دیگری در صدر فهرست کشورهای مورد حملات تروریستی قرار می گیرد.

تروریسم و افراط گرایی در آسیای میانه و منطقه در سال های اخیر رشد کم سابقه کرده است. حاکمیت قریب سه ساله طالبان بر افغانستان، کشورهای همسایه و خصوصاً آسیای میانه را نگران کرده است. طالبان رابطه شان با شبکه های دهشت افکن، به خصوص گروه های تروریستی منطقه

چون تحریک طالبان پاکستان، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی ازبکستان و القاعده را حفظ کرده و به رهبران و اعضای این گروه ها فرصت فعالیت آزادانه را در داخل خاک افغانستان داده اند. وجود پناه گاه ها و آموزشگاه های تروریستی به رشد تروریسم کمک کرده و در نتیجه، کشورهای منطقه به شدت نگران شده اند. این نگرانی به کرات در مجامع بین المللی و منطقه ای بیان شده است.

اخیراً اکرم منیر، نماینده پاکستان در سازمان ملل متحد، در جلسه شورای امنیت از حضور تروریستان، مخصوصاً اعضای تحریک طالبان پاکستان در داخل خاک افغانستان به شدت انتقاد کرده و افزود که این گروه دهشت افکن تحت حمایت آشکار طالبان فعالیت دارد. اخیراً آصف علی خان درانی، نماینده خاص پاکستان در امور افغانستان، در یک کنفرانس بین المللی زیر عنوان «پاکستان در چشم انداز ژئوپلتیک در حال ظهور» گفت که آسیبی را که پاکستان از نظر اقتصادی و امنیتی از ناحیه افغانستان دیده، بیش تر از آسیب های سه جنگ آن کشور با هند بوده است. او ظاهراً آن چه را کشورش در چند دهه اخیر در رویارویی با جدایی طلبان و شورشیان پاکستانی متحمل شده است حاصل وضعیت افغانستان می داند، در حالی که مدارس دینی، قرارگاه های نظامی و کمپ های آموزشی تحت مدیریت اردو و استخبارات پاکستان منبع اصلی تولید و تربیه چند نسل افراط گرایان تروریست بوده است و در بیست سال گذشته نیز خاک آن کشور در اختیار طالبان و دیگر گروه های شورشی افغان بود. او گفته است که پاکستان طی دو دهه گذشته ۸۰ هزار قربانی در جنگ با تروریسم داشته است و این قربانی ها هنوز جریان دارد.

در پاکستان غیر از تحریک طالبان آن کشور، چندین گروه مسلح شورشی دیگر نیز فعالیت دارند و با حملات ضد دولتی و تروریستی در مناطق مختلف آن کشور صدها فرد ملکی و نظامی را هر سال کشته و زخمی می کنند. این حملات بیش تر در ایالت های بلوچستان و خیبرپختونخوا رخ می دهند، اما سایر مناطق پاکستان نیز به شدت از آن متاثر می شوند. در نتیجه، همسایه جنوبی افغانستان که سال ها روابطش با گروه های تروریستی را انکار می کرد و یا برای آن روابط بهانه های سیاسی می تراشید، اکنون به جایگاه بی ثبات ترین کشور جهان تنزل یافته است.

ایران نیز از حملات تروریستی دور نمانده است. در آخرین مورد، به تاریخ ۱۳ ماه جدی ۱۴۰۲، حمله تروریستی در گلزار شهدای کرمان جان بیش از صد تن را گرفت و صدها زخمی برجا گذاشت. این حمله در ایران بی سابقه خوانده شد و عکس العمل های شدیدی در داخل آن کشور و سراسر جهان در پی داشت. مسؤلیت آن حمله خونبار را داعش خراسان بر عهده گرفت. قبل از آن، حمله

دیگری به حرم شاه چراغ در شهر شیراز رخ داده بود که ۱۳ کشته و حدود ۲۰ زخمی برجا گذاشته بود. مسئولیت این حمله را نیز داعش خراسان پذیرفته بود. همچنان یک سلسله بمب گذاری در سیستان و بلوچستان در جریان سال گذشته اتفاق افتاد که مسئولیت آنها را گروه جندالله بر عهده گرفت.

تروریسم در آسیای میانه نیز به مشکل جدی بدل شده است. اگرچه رهبران و بخش بزرگ فعالان شبکه های تروریستی آسیای میانه خارج از آن منطقه به سر می برند و حمایت های خارجی و اوضاع نابسامان افغانستان، پاکستان و خاور میانه بر رشد تند روی در آن کشورها اثر جدی داشته است، اما اوضاع داخلی کشورهای آسیای میانه، منبع اصلی این تهدید خوانده می شود. فقر، استبداد و نبود فرصت برای مبارزات غیرخشونت بار زمینه ساز رشد افراطگرایی شده است. بزرگ ترین گروه های تروریستی فعال چون جنبش اسلامی ازبکستان و حزب التحریر از متحدان القاعده و طالبان بوده اند. حزب التحریر که هدفش را تأسیس خلافت برای مسلمانان جهان عنوان می کند، در دو دهه اخیر نفوذش را در منطقه توسعه داده است. این گروه تروریستی از سال ۲۰۰۳ به بعد در افغانستان فعالیت چشم گیر داشته و از آن جا به آسیای مرکزی نفوذ کرده است. ظاهراً این گروه مثل طالبان ادعای مخالفت با داعش را دارد؛ اما تاریخچه پر از جنایت داعش حکایت از آن دارد که بستر رشدش را گروه هایی چون القاعده، طالبان و حزب التحریر فراهم ساخته اند. رهبران، فرماندهان و بیشتر فعالان داعش سابقه کار در گروه های افراطی دیگر، بخصوص طالبان را داشته اند.

افغانستان اکنون بستر مناسب برای تقویت و استقرار گروه های تروریستی شده است. منابع زیاد غربی، اسلامی و وابسته به کشورهای منطقه، از جمله پایگاه خبری موسوم به «تحولات جهان اسلام» این امر را تأیید می کنند. در واقع، وضعیت طوری است که دیگر چندان نیاز به تأیید رسمی نهادها و دولت ها دیده نمی شود؛ چون شواهد بسیاری وجود دارد که باید نسبت به آینده تندروری در منطقه و نقشی که حاکمیت طالبان در تکثیر و تقویت این بحران بازی می کند، نگران بود. پاکستان و ایران به دلیل دخالت مستقیم دولت های دو کشور در درگیری های خاور میانه و افغانستان و حمایت از جهادگرایی در چهل سال گذشته، از مدت هاست که با تندروری و تروریسم در داخل و یا خارج آن کشورها درگیر بوده اند. از این رو، دور از انتظار نیست که اکنون در داخل مرزهای خود نیز شاهد رشد تروریسم و قدرت گیری سازمان های تروریستی باشند. جندالله سال هاست در خاک ایران حملاتی را انجام می دهد و طالبان پاکستانی نیز بیش از دو دهه مشغول درگیری با ارتش این کشور بوده اند. سازمان های جدایی طلب بلوچستان پاکستان که در سال های اخیر به تاکتیک های

تروریستی از نوع طالبان روی آورده اند، حضور بسیار طولانی در بحران آن کشور دارند. آنچه در این بلوای تروریستی جاری نسبتاً تازه گی دارد، پر رنگی نقش آسیای میانه است. آسیای میانه بعد از استقلال با دو پدیده افراطی مواجه شد، یکی تمایل شدید به احیای گذشته اسلامی و توسل به افراطیت و ترور برای این هدف، و دیگری پافشاری بر ایجاد حکومت های نظامی و غیرانتخابی مستبد که هرگونه آزادی اندیشه و فعالیت های مذهبی را غیرقانونی می خوانند. رویارویی این دو حرکت در دهه ۱۹۹۰ میلادی منجر به کشت و خون بسیار بخصوص در تاجیکستان شد. همسایه دیگر افغانستان در آسیای میانه (ازبکستان) توانست با هزینه کمتر بحران تروریسم را مدیریت کند. تاجیکستان با جنگ داخلی تمام عیار مواجه شد و عاقبت صلح شکننده ای که میان اسلام گرایان و دولت امام علی رحمان برقرار گردید، مشکل تندروری را حل نساخت، بلکه به شبکه های مخفی انتقال داد. سرخورده گی نیروهای اسلام گرا باعث پناه آوردن جمعیت بزرگی از تندروان به آغوش حرکت های افراطی خاور میانه، افغانستان و پاکستان شد. در نتیجه، هزاران جنگجو از تاجیکستان، ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه وارد میدان بزرگتر تروریسم منطقه یی شدند و با همتایان خود در کشورهای عربی، پاکستان و افغانستان روابط نزدیک سیاسی و حتا خانوادگی برقرار کردند.

در اواسط دهه دوم قرن جاری میلادی، زمانی که داعش در عراق و سوریه به اوج قدرت رسیده بود، هزاران جنگجو از آسیای میانه به این گروه پیوستند. بیشتر این افراد جوانان سرخورده، بیکار و فقیری بودند که از آینده سیاسی و اقتصادی کشور خود ناامید شده و در زندگی شخصی نیز با مشکلات مالی شدید روبرو بودند. آنان را مبلغان داعشی از کارخانه ها و کارگاه های روسیه، و از پوهنتونها، مکاتب و بازارهای تاجیکستان، ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه جذب می کردند. موفقیت های نظامی خشونت بار داعش در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ موج بزرگی از تندروری را در آسیای میانه ایجاد کرد و کار به جایی کشید که افرادی از ارتش تاجیکستان نیز ترک وظیفه گفته و وارد عراق و سوریه شدند. به نقل از مقاله ای که محمد اکرام اندیشمند در صفحه فیسبوکش به تازگی نشر کرده است، گل مراد حلیم اف، فرمانده نیروهای خاص وزارت داخله تاجیکستان در سال ۲۰۱۵ وظیفه اش را ترک گفته و به داعش در سوریه و عراق پیوست. گل مراد حلیم اف از سوی داعش مورد استقبال قرار گرفته و وزیر جنگ آن گروه تعیین شده بود. او تنها نبود، بلکه بیش از دو هزار تاجیکستانی به صفوف داعش در خاور میانه پیوسته بودند. تعداد قابل توجه این افراد کشته شدند و عده ای طبق گزارش ها به کشور خود برگشته اند و گروهی نیز به پاکستان و افغانستان

آمده و به داعش خراسان پیوسته اند. در عین حال، سربازگیری داعش و دیگر گروه های تروریستی از راه های مجازی و حضوری در این سال ها جریان داشته است.

حملات اخیر داعش خراسان در افغانستان، ایران، ترکیه و روسیه حکایت از نقش پررنگ شهروندان تاجکستانی در این حملات تروریستی دارد. البته ازبکستانی ها، قزاقستانی ها و قرغیزستانی ها نیز از آفت تروریسم بی آسیب نمانده اند. دره فرغانه که سرزمین وسیع و پرنفوسی در خاک ازبکستان، تاجکستان و قرغیزستان است در دهه ۱۹۹۰ میلادی شاهد سال ها جنگ و درگیری میان جهادی های تندرو و دولت های حاکم بر هر سه بخش آن دره بود. اکنون نیز نگرانی جدی وجود دارد که این دره و مناطق مجاور آن منبع بحران تازه ای شود، بخصوص که سال هاست جنگجویان این منطقه در پاکستان، افغانستان و خاور میانه دست در خون و آتش داشته اند و روابط عمیقی با شبکه های تروریستی منطقه ایجاد کرده اند.

حالا که امارت طالبانی افغانستان را به پناه گاه و آموزشگاه امن تندروان ازبک، تاجک، اویغور و دیگران بدل کرده، منطقه ما با اوضاع ناروشن و مبهم مواجه است. هرگونه تلاش برای عبور امن از این وضعیت و مهار آشوب و تروریسم، مشروط به ایجاد حکومت مسؤل در افغانستان است.

پایان